

دکتر نورانی وصال

توضیحاتی درباره چند بیت ناصر خسرو*

بدون شك ديوان ناصر خسرو یکی از مشکلترین و پیچیدهترین دواوین شعر پارسی است. شعرا و درعین پختگی و جزالت همه پسند نیست، علت آن متروک ماندن دیوان وی از نظر عامه و عدم تتبع شعرا از طرز سخن او است. مطالعات فریبی از جهت سخنوری دیوان وی یکدست و بدون غث و سمین است. ولی بدان علت که مفاهیم اشعار او با مفاهیم اشعار شاعران دیگر فرق دارد و مضامین متداول شاعرانه در دیوان او کمتر به چشم میخورد، تنها خواص بدو روی آورده اند.

ناصر خسرو دردین خود بسیار متعصب و قصائد او تقریباً لوایح دفاعی مفصلی مبنی به برحق بودن دیانت فاطمی است.

این مقاله متن سخنرانی آقای دکتر نورانی وصال استاد دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه پهلوی است که در کنگره بزرگداشت ناصر خسرو در شهر یورماه ۵۳ در دانشگاه طوس ایراد گردیده است.

شعرا و در عین حال که از احساسی عمیق مایه و راست در مفاهیم بسیار محدودی
محصور بوده مرکب اندیشه او در میدانی فراخ، گرم جولان نیست. اندیشه ناصر خسرو
آنقدر متوجه بیان مختصات مذهب اسمعیلی است، که گوئی سخن درباره دیگر امور
برای او بازی و بیهوده است.

وصف بهار و خزان از این جهت گاهی در اشعار او راه می یابد که بزود گذری و عدم
ثبات جهان اشاره کند و مردم را بحقیقت و اصالت دین متوجه سازد.

انتباه و تذکرو توجه بحقیقت و معرفت و ابلاغ حقایق دین همواره رکن رکن
دیوان اوست و در آن بهیچوجه از شور و نشاط و عوالم عشقی متعارف سخنی بمیان
نیامده است. از مرگ نمپهراسد و گوئی همواره دروازه بهشت بسوی او باز است و از
اینکه براهوای و هوسهای خویش مسلط آمده است خود را بزرگ و شکوهمند و تسکین
یافته می بیند. بر این اساس شعر ناصر خسرو برای شیفتگان مناع متداول شاعری
ارمقانی ندارد و ناچار استنساخ اشعار او برای عامه چندان مورد توجه و دلپذیر نبوده
است. ولی برای کسانی که با ادب فارسی آشنائی داشته و بزبان پاک دری و انسجام و
جزالت قصائد فصیح دلباخته اند منبعی مفیض و دریائی عمیق است.

ویژگیهای کلام وی قصائدش را رنگی خاص بخشیده و سخنش را بطرز بسیار
درخشانی از شاعران دیگر متمیز ساخته است.

متأسفانه عدم اقبال کافه مردم بشعرا و کمی نسخ کهن دیوان وی باعث بوجود آمدن
معضلاتی شده است که از آن جمله عدم دسترسی بمعانی واقعی بعضی از اشعار و دست نیافتن
بصورت صحیح بسیاری از ابیات اوست.

این بنده از دیرباز با این دیوان انسی داشت و همواره مشتاق بود که بگونه صحیح
ابیاتی که دستخوردگی در آن مشهود بود واقف گردد و بالفاظ واقعی ابیات دست یابد.
الحق باید اذعان کرد دیوانی که در سنه ۱۳۰۷ بتصحیح و اهتمام سید نصرالله تقوی رحمة الله

علیه و استاد گرانمایه آقای مینوی دامت افاضاته بزیور طبع آراسته گردید تا حدی منقح است، مخصوصاً مستدرکات و حدسهای علامه فقید دهخدا در خور تحسین و سزاوار آفرین است. تصحیحات این مرد، روشنگر مایه وری بسیار او در ادب پارسی و آشنائی عمیق بطرز سخن حکیم ناصر خسرو علوی است. خداوند غریق رحمتش فرماید.

ولی در هر حال باز صورت صحیح ابیات فراوانی در پرده ابهام بود. حقیر با بدست آوردن منتخباتی از دیوان وی و مقابله با دیوان مطبوع مذکور صورت بعضی از ابیات را دگرگونه یافت و احیاناً بعضی را بمعنی نزدیکتر دید (۱).

موارد اختلاف را جزء و کلایا داشت کرد و تقریباً به بیش از یکصد و پنجاه مورد اختلاف واقف گردید و عازم بود تا آنرا بنظر افاضلی که در این کنگره گرد آمده اند برساند. در توقف کوتاهی که در تهران انجام گرفت یکی از دوستان مرا با تمام چاپ نسخه دیوان ناصر خسرو که از دیر باز بوسیله استاد مینوی و دانشمند گرانمایه دکتر محقق انجام میگرفت بشارت داد. بسوی استاد مینوی شتافتم و معظم له با کمال بزرگواری فرمهای چاپی را در اختیار بنده نهادند. پس از فحص مختصری دریافتم که دیوانی کاملاً منقح است و بسیاری از اشکالات و اختلافاتی که یادداشت کرده بودم خود بخود حل است ولی در مواردی هنوز میتواند یادداشتهای حقیر مورد استفاده قرار گیرد که با اجازه دانشمندان گرانمایه بذکر برخی از آن میپردازد. در قصیده بمطلع:

براه دین نبی رفت از آن نمیاریم که راه پرخطر و ما ضعیف و بی یاریم
بعد از بیت :

بیای تا من و تو هر دو ای درخت طوای

ز بار خویش یکی چاشنی فروباریم

۱- نسخه منتخبات دیوان ناصر خسرو با ضافه منتخبات چند دیوان دیگر در اوائل زمان قاجاریه برشته تحریر آمده است. خط نسخه مزبور شکسته نستعلیق پیخته و بر روی کاغذ آهار مهرة فرنگی نوشته شده و در اختیار اینجانب است.

این بیت در نسخه منتخبات آمده است :
ترا اگر نگوارد شکر که بیماری شکر خوش است سوی ماکه مانه بیماریم
قریب همین مضمون را در قصیده بمطلع:
ای آدمی بصورت و بسی هیچ مردمی
چونی بفعل دیسو چو فرزند آدمی
چنین بیان میکند:

هر چند جو بنزد خزان به ز گندم است
گندم ز جو به است سوی ما بگندمی
در قصیده بمطلع:

گر مستمند و بادل غمگینم
خیره مکن ملامت چندینم
در دیوان مطبوع چنین آمده است:
واکنون تذرو بامن کی سازد
کز عارضین نبشته چو شاهینم
در نسخه منتخبات بدین صورت است:

اکنون تذرو با من کی سازد
کز عارضین چوسینه شاهینم
در قصیده بمطلع:

چو گشت جهان را دگر احوال عیانیش
زیرا که بگسترده خزان راز نهانیش
بیت:

برمفرش پیروزه بشب شاه حبش را
از سوده (آسوده) و پاکیزه بلور است او انیش
در نسخه منتخبات بدین صورت آمده است:

برمفرش پیروزه بشب شاه حلب را
از سوده پاکیزه بلور است او انیش

در ابتدا بنظر میآید که باید بمناسبت شب شاه حبش باشد در حالیکه مرادنا صرخسرو ماه و کواکب است و بخصوص مغرش پیروزه قرینه‌ای برای شاه حلب است در حالیکه هرگز شاه حبش که مجازاً بمعنی سلطان شب است وجود مصور و ممیزی نیست که بر مغرش پیروزه قرار گیرد. و اما در مصراع دوم (از سوده پاکیزه بلور ارجح از سوده و پاکیزه بلور است، چه سوده بچیزی اضافه نشده است و معنی مبهم مینماید، در حالیکه اگر به پاکیزه بلور اضافه گردد معنی روشن و بیت از ابهام خارج میشود. اما کلمه آسوده که در نسخه مطبوع کنونی آمده است بسیار غریب مینماید و معنی آن مختلفی است. و نیز باید توجه داشت که پاکیزه بلور قرینه‌ای برای صحت ترکیب شاه حلب است.

در قصیده بمطلع:

صعبتر عیب جهان سوی خرد چیست فناش پیش این عیب سلیمست بلاها و عناش

بیت:

معدن علم علی بود بتأویل و به تیغ مایه جنک و بلا بود وجدال و پر خاش

در نسخه منتخبات چنین آمده است:

معدن علم بود آنکه بتأویل و به تیغ مایه جنک و بلا بود وجدال و پر خاش

که ارتباط مصراع دوم با اول قوی تر و دو کلمه بود و بود با استحکام بیت میافزاید.

در قصیده بمطلع:

چه بود این چرخ گردان را که دیگر گشت سامانش

بستان جامه زر بفت بدریدند خوبانش

بیتی در نسخه مطبوع کنونی چنین است:

سخن عنوان نامه مردم آید هر که را خواهی

که بر خوانی بچشم گوش بنگر سوی عنوانش

که در نسخه منتخبات بین چشم و گوش واو عاطفه است و بنظر اصح میآید.

و نیز بیت :

پدید آمد سوی دانا که عالم خوان یزدانست

و حیوان چون که طفلانند و جز تو نیست مهمانش

در نسخه منتخبات چنین آمده است :

پدید آمد سوی دانا که عالم خوان یزدانست

و حیوان چون طفیلانند و جز تو نیست مهمانش

که ترجیح ضبط نسخه منتخبات بر نسخه مطبوع کنونی کاملاً مشهود است.

و همچنین بیت :

یکی زندان تنگ است اینکه باغش ظن بردنادان

سوار است آنکه پندارد که بستانست زندانش

در نسخه منتخبات بدین صورت ضبط است :

یکی زندان تنگ است این که باغش ظن بردنادان

ستور است آنکه پندارد که بستانست زندانش

که باز ترجیح ضبط نسخه منتخبات بر نسخه مطبوع کنونی کاملاً آشکار است و

بتوضیحی محتاج نیست.

باید تذکر داد که ابیات مورد بحث قصیده فوق هیچکدام در نسخه مطبوع سنه

۱۳۰۷ نیست.

در قصیده بمطلع :

ای زده تکیه بر بلند سریر بر سرت خیز وزیرهای حریر

بیتی در نسخه مطبوع بدین صورت آمده است :

زرمغشوش کم بهاست برنج زعفران مزور است زریر

و در نسخه منتخبات بدین گونه است :

زر مغشوش کم بهاست ترنگ زعفران مزور است زیر
که تناسب ترنگ با کلمات بیت بیشتر است. در قصیده بمطلع:

آن زرد تن لاغر گلخوار سیه سار

زرد است و نزار است و چنین باشد گلخوار

بیتی بدین صورت آمده است:

مرغی است ولیکن عجیبی مرغی از ایراک

خوردنش همه قار است رفتنش بمنقار

و در نسخه منتخبات چنین است:

مرغی است ولیکن عجیباً بی پر مرغی خوردش همه قار آمد و رفتنش بمنقار

که کلمه خوردش بر خوردنش مرجح است.

این چنبر گردنده بدین گوی مدور

چون سروسپی قد مرا کرد چو چنبر

در نسخه منتخبات بجای بدین (برین) است و اصح بنظر میآید.

در همین قصیده در بیتی دیگر بدین صورت:

از حق بجز از حق نژاده است و نژاید

وین قاعده زی عقل درست است و مقرر

بجای نژاد (بنژاد) آمده و برای رفع صعوبت تلفظ کلمه (حق) با تشدید (بمتر

بنظر میرسد (والله اعلم).

در قصیده بمطلع:

واندر جهان بچشم خرد بنگر

برکن ز خواب غفلت پوراسر

بیت:

مدح رسول و آل چنین گستر

ای حجت زین خراسان زه

در نسخه منتخبات بدین صورت آمده است:

ای حجت زمین خراسان رو
مدح رسول و آل علی گستر
مطلع:

بالای هفت چرخ مدور دو گوهرند
کز نور هردو، عالم و آدم منورند
در نسخه منتخبات چنین است:

بالای هفت چرخ مدور دو گوهرند
کز کائنات و هر چه در او هست برترند
که بنظر حقیر هیچکدام ترجیحی بر دیگری ندارد.
در قصیده بمطلع:

خوب یکی گفته یاد مست از استاد
گفت نگشت آفریده چیز به ازداد
بیت:

همچو یکی یارزی رسول چرا بود (کرا بود)

آنکه برادرش بود وین عم و داماد

در نسخه منتخبات چنین آمده است: نانی و مطالعات فرنگی

کم زیکی یارزی رسول چرا نبود نانی

آنکه برادرش بود وین عم و داماد

که با در نظر گرفتن مفاهیم قصیده ترجیح ضبط نسخه منتخبات بر نسخه مطبوع کاملاً آشکار است.

مطلع:

این رقیبان که برین گنبد پیروزه درند

گرچه زیر تو گهی جمله همیشه زیرند

در نسخه منتخبات بدین صورت آمده است:

این رقیبان که بر این گنبد پیروزه درند

گرچه زبرندگهی جمله بمعنی زبرند

که بصورت دوم ارجح بنظر میرسد.

در قصیده:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سرباد خیره سری را

بیت:

ندیدی بنوروز گشته بصحرا بعیوق ماننده لاله طری را

در نسخه منتخبات چنین آمده است:

نبینی که از نور گشته بصحرا بعیوق ماننده لاله طری را

که تناسب الفاظ در صورت اخیر بهتر بنظر می آید. بخصوص که در قصیده دیگری بمطلع:

چيست اين خيمه که گوئی بر گمرد ریاستی

یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی

همین مضمون را بدین گونه آورده است:

از گل سوری ندانستی کسی عیوق را

پژوهشگاه این اگر رخنه شده بودی وان اگر بویاستی

والله اعلم بالصواب

پرتال جامع علوم انسانی